

زوایای تاریک

جلال الدین فارسی، زوایای تاریک، تهران، حوزه اندیشه و هنر اسلامی - نشر حدیث، ۱۳۷۳، ۵۷۱ ص. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ یک دگرگونی بزرگ و اساسی بود. با آن که این تحول همانند هر انقلاب دیگر تمام ششون جامعه را تحت تأثیر قرار داد و دگرگون ساخت، ولی ابعاد واقعی آن هنوز هم ناشناخته است. یکی از دلایل مهم این ناشناختگی تقارن مرحله مهمی از تکوین این دگرگونی با فضای بسته و خفقان زده ادوار پایانی حاکمیت پهلوی است که نه تنها این روند را سرعت بخشید که گستردگی امر و توان نهفته در آن را نیز پنهان داشت. از سوی دیگر تقارن دوره تبلور حکومتی و نهادی شدن انقلاب با جدل‌هایی گسترده با پاره‌ای از نیروهای سیاسی رقیب، به چیرگی اجتناب ناپذیر «تبلیغ» بر «تحقیق» منجر شد، و حاصل باز هم ناشناخته ماندن ابعاد واقعی کار.

فروکش تب و تاب اولیه و حذف دیگر مدعیان امر می‌توانست زمینه مساعدی باشد جهت جبران مافات و شناسایی آنچه گذشت. با این حال در بسیاری از آراء منتشر شده در این زمینه - چه موافق و چه مخالف - هنوز هم وجه تبلیغی کار بر جنبه تحقیقی آن غالب است. انتشار خاطرات جلال الدین فارسی - یکی از عناصر دخیل در این دگرگونی - استثنایی است بر قاعده.

جلال الدین فارسی خاطرات خود را از دوران تحصیل در مشهد آغاز می‌کند که به تکاپوی برآمده از نهضت ملی شدن نفت جذب شد و در این زمینه از فعالیتهای دینی - ملی خراسان آن روزگار یاد دارد که با توجه به اطلاعات محدودی که از ابعاد ولایتی نهضت مصدق در دست است، مغتتم می‌باشد.

نویسنده پس از کودتای ۲۸ مرداد که در خراسان نیز با نوعی بی‌تفاوتی عمومی برگزار شد، به تهران آمد و فعالیت‌هایش را در چارچوب نهضت مقاومت ملی، آنگاه به نحوی مشخص‌تر نهضت آزادی ادامه داد. با شروع دور جدیدی از فعالیت‌های سیاسی در سال‌های آخر دهه ۱۳۳۰ و ناتوانی مخالفان سیاسی دستگاه در بهره‌برداری از این حرکت، بخش وسیعی از نیروهای جوان در جستجوی راه و روالی دیگر برآمدند. از آنجایی که این ناتوانی به جای آن که در چارچوب تلقی محدود و نارسای زعمای نهضت از عمل سیاسی ریشه‌یابی گردد به خصوصیات جنبی چون «محافظه‌کاری» آنها نسبت داده شد، لهذا چاره کار نیز نه در نقد اصول سیاست جاری که در در نحوه اعمال آن جستجو، و راه‌هایی نیز لاجرم در تندی و جسارت بیشتر. بازتاب این نارضایی در حوزه عملکرد نهضت آزادی و گرایش برآمده از آن که خود را به صورت رویکردی به مبارزه مسلحانه و چریکی نشان داد در زوایای تاریک به روشنی بیان شده و یکی از بخش‌های مهم و ماندگار این نوشته است. (۱۲۴-۶۵)

جلال‌الدین فارسی در ادامه فعالیت‌های مسلحانه هیئت‌های موتلفه اسلامی و پس از انتشار آثاری چون «انقلاب تکاملی اسلام» که یکی از سه چهار نوشته مشخصی بود که بر نسل انقلاب تأثیر چشمگیری نهاد، راهی عراق و سوریه و لبنان گشت. این بخش از خاطرات مؤلف به فعالیت‌های مخالفان مسلمان رژیم در منطقه و ارتباط آنها با حرکت‌هایی چون نهضت مقاومت فلسطین و شورای عالی شیعیان لبنان اختصاص دارد. علاوه بر این از فعالیت‌های سیاسی انجمن‌های اسلامی دانشجویان



ایرانی در اروپا و آمریکا و چهره های فعال آن چون قطب زاده و بنی صدر و ابراهیم یزدی نیز اطلاعاتی ارائه می دهد. جلال الدین فارسی با پیروزی انقلاب به ایران بازگشت، ولی تحولات بعد از انقلاب فقط بخش محدودی از خاطراتش را به خود اختصاص داده است. اگر چه وی در این مرحله هم در زمینه مبارزه با مخالفین سیاسی و هم در اموری چون انقلاب فرهنگی و برخی تحولات دیگر فعالیت داشت، ولی بخش عمده خاطرات وی از این دوره به ادامه موضوع سازمان های فلسطینی و دیگر حرکت های سیاسی مسلمان های خاور میانه عربی و به ویژه موضوع سفر یاسر عرفات به تهران، اختصاص دارد.

با توجه به نقش تعیین کننده و دیرپایی که این امر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر جای نهاده است، خاطرات جلال الدین فارسی به عنوان یکی از چهره های اصلی شکل گیری این پیوند در سال های قبل و بعد از انقلاب، هم از لحاظ سوابق تاریخی امر و جزئیات ناشناخته آن و هم از لحاظ مباحث نظری مطرح شده در این زمینه حائز اهمیت است. به ویژه وجه اخیرالذکر آن که به صورت مضامینی چون «انترناسیونال اسلامی» (ص ص ۹۶-۴۸۷) و دیگر موارد مشابه، در عین حال که هم مطرح و هم عملاً راهنمای بسیاری از جهت گیری های سیاست خارجی ایران گردید، ولی از لحاظ بحث و فحص، و تدوین و تبیینی مطابق با امکانات واقعی کشور از سطح مباحث مطرح شده در آن ایام فاصله چندانی نگرفت.

این خاطرات از دو ویژگی شایان توجه دیگر نیز برخوردار است. یکی از این ویژگی ها امکان بهره برداری مؤلف از پرونده فعالیت هایش در آرشیو ساواک است. تاکنون انتشار اسناد ساواک آن هم منتخبی از آن ها بیشتر در حذف و طرد مخالفین سیاسی کاربرد داشته است و این مورد خاص یکی از معدود مواردی است که اسناد مزبور کاربردی تاریخی و معقول یافته است. این اسناد که تصاویر آنها در لابلای خاطرات و به تناسب موضوع منتشر شده اند، نه تنها وجه دیگر ماجرا، یعنی طرز تلقی رژیم از فعالیت های جلال الدین فارسی را منعکس ساخته و لهذا مکملی هستند بر خاطرات مزبور، بلکه با توجه به توضیحات مؤلف میزان نادانی و بی اطلاعی دستگاه را از واقع امر نیز می رسانند.

ویژگی دیگر این خاطرات سعی و تلاش مؤلف است در ارزیابی و شرح اقدامات دیگر چهره های فعال انقلاب در چارچوب تاریخی فعالیت هایشان، و نه بر حسب راه و روایی که در مراحل بعدی کار پیموندند؛ از این رو ملاحظه می شود که می توان برخلاف رسم متعارف از چهره هایی چون مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، آیت الله شریعتمداری، قطب زاده، بنی صدر ... سخن به میان آورد و در بررسی فعالیت هایشان به نقد و ارزیابی آنها نیز پرداخت بی آن که به های و هوی چندانی هم نیاز افتد. کما این که نقد جلال الدین فارسی از نحوه تاریخ نگاری نهضت آزادی از وقایع سال های مقارن با خرداد ۴۲، دقیقاً به خاطر اجتناب از سنت لغو افشاگری و تاکید بر داده های مشخص و مستند، یکی از جدی ترین انتقاداتی است که در این زمینه مطرح شده است. (ص ص ۱۲۴-۶۵)